یادداشت

آقای رئیس‌جمهور! زمان گذشت و ساعت ۴ بار نواخت

سعید فرج‌پور . فعال سیاسی

● ۱-آنچه لایه‌های اجتماعی را برای حمایت از یک شـخص یا دیدگاه حول محـور آن در انتخابات جمع می‌کند، مطالباتی است که از زبان آن شخص یا دیدگاه در دوره تبلیغات طرح می‌شود و هرچه این مطالبات، همذات‌پنداری بیشـتری در این لایه‌ها داشـته باشد، فوج بیشـتری از این لایه‌ها به پشتیبانی از آن دیدگاه، پشت‌سرش قرار می‌گیرند.

۲-آنچـه پس از به‌توفیق‌رسـیدن دیـدگاه مورد حمایت مـردم، مهم بـه نظر می‌رسـد، پیگیری آن مطالبات اسـت و مهم‌تر از آن سـازوکار پیگیری آن. شک نیسـت که امکان پیگیری این مطالبات از سوی یکایک افراد تشکیل‌دهنده لایه‌های اجتماعیِ دیدگاهِ به‌توفیق‌رسیده وجود ندارد و لازم است مجاری شفاف و چابکی برای این پیگیری‌ها طراحی و آماده شود.

۳- مسـئولیت اصلی تشـکیل این سازوکار پیش از آنکه متوجه لایه‌های اجتماعی و کنشـگران مدنی باشـد، متوجه دیدگاه به‌توفیق‌رسـیده است تا با یک طراحی مورد قبول، ارتبـاط ارگانیک پایگاه اجتماعی خود را با ساختار بوروکراتیکش حفظ کند.

۴- اگر بپذیریـم مردم بـا رأی‌دادن به یک دولت بر مطالبات طرح‌شـده از سـوی رئیس آن در دوران تبلیغات صحه گذارده‌اند، پذیرفتنی اسـت که همین مـردم پس از راهیابی دیدگاه مـورد حمایت خود به قدرت، پیگیر همان مطالبات باشند.

۵- در کشـور مـا به دلیـل فقدان تأسـف‌برانگیز حضور احزاب فراگیر، این مهم بیشـتر متوجه ساختار بوروکراتیـک موقتی اسـت که در هنگامـه انتخابات به‌عنوان «ستادهای انتخاباتی» شکل می‌گیرد و تا پایان عمر دولت‌ها، همین ستادها مداوما مورد پرسش پایگاه اجتماعی‌ای هسـتند که به هر شکل ممکن مجابشان کرده‌اند تا از دیدگاه موردنظرشان حمایت کنند.

۶- انتخابـات سـال ۱۳۹۶ کـه منتهی بـه رأی خیره‌کننده مردم به آقای روحانی شده نیز از این قاعده مستثنا نیست، اما آیا دولت پس از کام‌گرفتن از قدرت تلاشـی برای حیات اجتماعی ستادها که تنها مرجع مـورد رجوع مـردم در پیگیری مطالبات طرح‌شـده هسـتند از خود بروز داده اسـت؟ پاسخ به این سؤال هرچند مطلقا منفی نیست، اما به‌شدت به سمت آن میل می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۵

انتقاد، حتی از یار امام

سـیداحمد خمینی، فرزند امام خمینی(ره)، در چنین روزی در سال ۷۳ دار فانی را وداع گفت. بی‌تردید می‌توان از او به‌عنوان دست راست امـام در پیش و پـس از انقلاب یاد کرد؛ فردی کـه در تمام لحظات در کنار بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضور داشت و بسیاری از هماهنگی‌های امور مهم با اطلاع او انجام می‌شد. احمد خمینی بی‌تردید گرچه به‌طور مسـتقیم در عرصه مدیریت سیاسی کشـور وارد نشد، اما باید او را یکی از مهم‌ترین شـخصیت‌های سیاسـی بعد از انقلاب از حیث تأثیرگذاری دانست.

او پس از دسـتگیری امام در خرداد سال ۱۳۴۲ و تبعیدش به ترکیه در اواخر سال ۴۴ به طور پنهانی خود را در نجف به امام رساند. احمد خمینی در نخسـتین اقامتش در نجف در سال ۴۴ و ۴۵ تکمیل آموزش دینی را نزد پـدر و بـرادرش ادامه داد و حدود پنج ماه بعد مخفیانـه به ایران آمد. در مسیر بازگشت در مرز خسروی بازداشت و به سازمان امنیت آنجا منتقل شد و اسـناد و پرونده‌های ساواک نشان می‌دهند او در بازجویی‌هایش مأموران را فریب می‌دهد و هویتش در مرز برای سـاواک شـناخته نمی‌شود و پس از آزادی، از طریق کرمانشـاه و همدان راهی قم می‌شـود. او در پایان سال ۱۳۴۵ دوباره عازم عراق شد و این‌بار مخفیانه از طریق خرمشهر به آن‌سوی مرز رفت و پس از یک هفته، خود را به نجف رسـاند. در همین سـفر بود که او رسـما به سلک روحانیت درمی‌آید و عمامه را به دست پدرش بر سر می‌گذارد. پس از شـهادت مصطفی خمینی، احمد در نجف توانسـت خلأ وجود مصطفی را پر کند و حامـل پیام‌های پی‌درپی پدرش و نقطه اتصال شبکه گسترده ارتباط‌ها بود.

در پی عزیمت امام از نجف به پاریس، احمد همراه پدر بود. سیداحمد خمینـی در پاریس علاوه‌بر برنامه‌ریزی دقیق برای تنظیم امور بیت و دفتر امام در نوفل‌لوشـاتو و برگزاری به‌موقـع مصاحبه‌های مطبوعاتی و دقت و وسـواس فـراوان در ترجمه مصاحبه‌ها و پیام‌های امـام و جلوگیری از تحریف آنها، عهـده‌دار برقراری ارتباط‌های گسـترده و لازم بین گروه‌های مختلف با امام بود؛ موضوعی که پس از انقلاب نیز ادامه داشت و همواره برای دیدار با امام باید با احمد خمینی هماهنگی انجام می‌شـد. او روز ۱۲ بهمن سـال ۱۳۵۷ همراه با امام به تهران بازگشـت و در مدرسه علوی و رفاه تهران مسـتقر و در اسفند همان سـال به همراه امام عازم قم شد و تا آخرین روز عمر امام در کنارش بود و مسـئولیت هماهنگی‌های بیت را برعهده داشت.

امام در کتاب صحیفه نور در وصف فرزندش، احمد، نوشته است: «من خدای قاهر حاضر منتقم را شـاهد می‌گیرم که احمـد از آن روزی که در کمک اینجانب در بیرونی مشغول اداره امور من بوده تا الان که این ورقه را می‌نویسم قدمی یا قلمی برخلاف گفتار و نوشتار من برنداشته و با وسواس عجیب در کلیه گفتارهای من یا نوشـته‌های من سعی نموده که حتی یک کلمه بلکه گاهی یک حرف را که به نظر او محتاج به اصلاح اسـت بدون اذن مـن تصـرف نکند». احمد خمینـی چنان مورد اعتمـاد امام بود که معمولا در جلسـات مسئولان ارشـد با امام حضور می‌یافت و حتی امام در هنگام تأسـیس مجمع تشـخیص مصلحت نظام، احمد خمینی را به عضویت در آن منصوب کرد. برخی گفته بودند که در سال‌های پایانی عمر امام، نامه‌های امام را سـیداحمد می‌نوشت و امام آنها را امضا می‌کرد، در

صورتی که اخیرا مؤسسـه نشـر و تنظیم آثار امام این موضوع را رد کرد و گفت که تمام نامه‌های منسوب به امام متعلق به خود ایشان بوده است.

انتقاد به دولت هاشمی رفسنجانی

او پـس از رحلـت امـام انتقادهایـی از سیاسـت‌های دولـت هاشمی‌رفسـنجانی می‌کرد، به‌نحوی‌که صریحا از گسترش فساد اداری و اخذ رشـوه در اداره‌های دولتی انتقاد می‌کرد. یـا آنکه از بازگرداندن سـرمایه‌دارانی که بعد از انقلاب از کشـور خارج شـدند، ناراضی بود. او از یـأس نیروهـای مذهبـی بر اثـر سیاسـت‌های غیرانقلابی دولت هاشمی‌رفسـنجانی سـخن می‌گفت و به نبـود آزادی بیـان و نبودن شـرایط مناسب برای نقد دولت حتی توسط نمایندگان مجلس اعتراض می‌کند. سـید احمـد خمینی تصریح کـرد مردم «انقـلاب، نظام، امام، رهبر و کشورشـان» را دوست دارند؛ اما به این مسـائل اعتراض دارند: «اینکه در ادارات فسـاد و رشوه‌خواری اسـت به این علت است که ما از اول برخـورد قاطعی بـا این‌گونه افراد نداشـتیم... وقتـی می‌بینید عده‌ای بی‌ضابطه و از برخورد آرام نظام سوءاسـتفاده کرده و وارد کشور می‌شـوند و اموالشـان را پس می‌گیرند و به‌راحتی فعالیت‌های گذشته خود را ادامه می‌دهند و کم‌کم به‌صورت شبکه‌های حرفه‌ای وارد مراکز اقتصادی و تولیدی، ادارات و دانشگاه‌ها می‌شوند، باید انتظار داشت که جوان‌های انقلابی که تا دیروز در برابر گلوله‌های دشـمن می‌ایستادند، امروز بی‌تفاوت شـوند... مردم انقلاب، نظام، امام، رهبر و کشورشـان را دوست دارند، بنابراین لازم اسـت در کمال آزادی حرفشان را بزنند. این جوی که درسـت کرده‌اند... به مصلحت انقلاب و نظام نیست. نباید این جو باشـد، چرا مطبوعات و نمایندگان مجلس شـورای اسلامی بعد از موضع رئیس‌جمهور محترم جرئت پیدا می‌کنند و حرف دلشـان را بیان می‌کنند» (روزنامه اطلاعات، ۱۹مهر۷۳).

یـا آنکه به فاصله یک هفتـه بعد نیز انتقادات دیگـری به دولت و سیاسـت‌های اقتصادی آن وارد کرد. او از غلتیـدن برخی روحانیان به اشـرافیت و خارج‌شـدن از «زیّ طلبگـی» انتقـاد کـرد و همچنین به سیاسـت‌های مبارزه با گران‌فروشی که توسـط «سازمان تعزیرات» اجرا می‌شـد، اعتراض کـرد. در واقـع او معتقد بود عامل اصلـی گرانی‌ها سیاست‌های دولت اسـت و حتی شرکت‌های دولتی کالاها را به قیمت عادلانه در جامعه توزیع نمی‌کنند و در این شـرایط احتمال وقوع ظلم علیه کاسبان و خرده‌فروشـان وجود دارد: «آن روحانیون که وضعشان خوب است، باید حواسشان را جمع کنند که از زی طلبگی خارج نشوند، زی طلبگی مورد وفاق بزرگان ماسـت. رهبران روحانی همواره زندگی محقرانه‌ای داشـته و عمل و گفتارشـان با مقتضیات شغل آنها سازگار بوده اسـت. امام اعتقاد داشـتند طلاب و روحانیون نباید از زی طلبگی خارج شـوند... نباید اجـازه بدهیم تحت تأثیر جو تبلیغاتی حق کسـی ضایع شـود و بی‌گناهـی را محکوم کنند. در چنیـن کار مهمی اول باید سـراغ دانه‌درشت‌ها برویم. بسیاری از نهادها و شرکت‌های دولتی برای افزایش درآمدهای کاذب خود، قیمت‌های واقعی و سود عادلانه عرضه نمی‌کنند. دولت و مسـئولان مبـارزه با گران‌فروشـی اول باید به وضع شرکت‌ها و نهادهای دولتی رسـیدگی کنند... ما از اول گفتیم که آزادی عمل سـرمایه‌داران بزرگ و متکاثر کار را به اینجا خواهد رسـاند. کسی با کارهای زیربنایی و بازسـازی زیرساخت‌های اقتصادی مخالف نیست، ما می‌گفتیم اجازه ندهید به این بهانه لجام‌گسـیختگی اقتصادی حاکم شود، عده‌ای با شعار رفاه اقتصادی کار را به جایی رساندند که به همان نقطه اول تعزیرات حکومتی برگشتیم» (روزنامه اطلاعات، ۲۶ مهر ۷۳).

به‌هرروی گرچه امام، احمد خمینی و هاشمی‌رفسـنجانی را بسـیار مورد اعتماد می‌دانست؛ اما براساس گفته‌های سید احمد پس از رحلت امام درباره دولت هاشمی، می‌توان چنین دریافت که میان او و هاشمی توافق فکری بالایی وجود نداشته است.

فرزندان احمد خمینی

سـید احمد خمینی سه فرزند به نام‌های حسن، یاسر و علی دارد که هر سـه آنها مانند پدرشان روحانی شـدند و در واقع راه پدر و پدربزرگ خـود را رفتند. حسـن خمینی، نام‌آشـناترین نوه امام، سال‌هاسـت که مسئولیت تولیت آستان امام خمینی را بر عهده دارد و در حوزه تحقیق، تألیـف و تدریس کوشـش‌های قابل توجهی می‌کند. پایگاه سیاسـی او نزدیـک به اصلاح‌طلبان اسـت. او در ۲۷ آذر۱۳۹۴، با حضور در وزارت کشـور رسما برای شـرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری ثبت‌نام کرد؛ اما در انتقاد به برگزاری امتحان اجتهاد در آن آزمون شـرکت نکرد و صلاحیتش از سـوی شـورای نگهبان تائید نشـد. سیدحسن خمینی از ازدواج بـا دختر آیت‌الله موسـوی‌بجنوردی صاحـب چهار فرزند به نام‌های احمد، فرشـته، نرگس و محمدهادی است. یاسر خمینی فرزند دوم سید احمد خمینی که تقریبا کمتر اظهار نظر سیاسی و سخنرانی‌ای از وی به چشـم می‌خورد. او با سیده حورا صدر دختر دکتر محمد صدر از دیپلمات‌های وزارت امور خارجه ازدواج کرده و با همسـر و دو فرزند خود به نام روح‌الله و فاطمه مانند برادر بزرگ خود در قم سـاکن است و کارهای او به فعالیت در امور حوزوی بدون چاشـنی سیاسی خلاصه شده است.

فرزند آخر مرحوم سید احمد خمینی با نام علی که عکس منتشرشده از او در دوران طفولیـت در آغوش بنیان‌گذار جمهوری اسـلامی برای خیلی‌ها آشناسـت نیز گاهی سخنرانی‌هایی در باب آرای پدربزرگ خود و وضعیت آن در جامعه ایراد می‌کرد، اما او نیز اغلب در حوزه مشغول اسـت و دروس برادر (سـید حسـن) را تقریر می‌کند، در نجف سکونت دارد، علی، فرزندی به نام محمدعلی دارد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● شـرکت داتیس خـودرو پس از گذشـت بیش از یک‌سال‌ونیم از ثبت‌نام خرید خودروی ولوو، از واردات و تحویل خودرو به بهانه‌های مختلف امتناع می‌ورزد. در تابستان ۹۶ نرخ دلار سه‌هزارو ۳۰۰ و تعرفه واردات حدود ۴۰ بود. در این مدت مقررات هم تغییرات زیادی داشته. این شرکت به تحویل خودروی ولوو یا پرداخت و جبران زیان این‌جانب استنکاف ورزیده و حقوق مادی و معنوی این‌جانب را تضییع کرده است. در زمان ثبت‌نام ثبت سـفارش ممنوع و این شرکت مجوز واردات ولوو نداشته است و پاسخ‌گوی زیان من نیست. من خودروی ولـووی خود را بـا قیمت مناسـب می‌خواهم و توان پرداخـت مبلغ چند برابری آن را نـدارم. چرا دولت و واردکننده برای مشتری ارزشی قائل نیستند؟!

یک مخاطب

● **کودکان کار در راهروهای ترن‌هـای زیرزمینی!** هر روز عـده‌ای از کودکان کار به ویژه دختران خردسـال در راهروهـای ترن‌های زیرزمینی (مترو)، فال حافظ و تنقلات می‌فروشـند. کودکانی که باید در بستر خواب یا بازی با عروسک‌هایشـان یا سر کلاس درس باشند، آنها را وادار به گدایی و فروش فال و تنقلات می‌کنند. به راستی چه کسی مسـئول جمع‌آوری و ساماندهی این افراد است؟

علی از تهران

● **کوپن راه مبـارزه با گرانی نیست:** مسـئولان به جای اینکه به فکر کوپنی‌کردن مایحتاج ضروری مردم باشند به فکر افزایش حقوق‌ها و بالابردن قدرت خرید مردم باشند.

اکبر از تهران

بازتاب

● **پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۲۰:** احتراما پیرو انتشار پیام مردمی آن رسانه مورخ «۱۳۹۷/۱۱/۲۴ روزنامـه کیهـان»، «۹۷/۱۱/۲۸ روزنامـه شـرق» و «۹۷/۱۱/۲۹ روزنامـه اطلاعـات»، درخصوص هرس درختان شهرک شـهید بهشتی واقع در خیابان شهید رجایـی، جوابیه این منطقه جهت اطلاع و پاسـخ به شـهروند محترم ارسـال می‌شـود. محل مورد اشاره شـهروند محترم، در برنامه هرس درختان سـال ۹۷ اداره فضای سبز شـهرداری منطقه ۲۰ قرار داشته و طبق نظر کارشناسان انجام شده است.